

نشست سلوک عرفانی بانوان

آیت‌الله شیخ علی رضایی تهرانی

تبریز

۱۳۹۸/۰۵/۰۹ هجری شمسی

۱۴۴۰/۱۱/۲۸ هجری قمری

«أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى النَّبِيِّ الْأَعْظَمِ وَتَبِيحَةُ الْعَالَمِ هَادِي السُّبُلِ وَمُنْجِي الْبَشَرِ سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا حَبِيبِ إِلَهِ الْعَالَمِينَ أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ وَاللَّعْنُ الدَّائِرُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ؛»

«قال الله تعالى في كتابه الكريم:

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۱.»

مقدمه

بحث ما پیرامون "سلوک عرفانی بانوان" است. در این راستا، لازم است ابتدا به برخی مبانی فلسفی و انسان‌شناختی مرتبط با زن و مرد اشاره شود تا فهم دقیق‌تری از موضوع حاصل گردد.

وحدت جنس و نوع زن و مرد

زن و مرد در جنس و نوع یکسان هستند. به عبارت دیگر، هنگامی که در منطق و فلسفه به تعریف زن و مرد می‌پردازیم، در واقع انسان را تعریف می‌کنیم. انسان به عنوان «حیوان ناطق» تعریف می‌شود، و این تعریف اختصاص به مرد ندارد. انسانی که مرد است، حیوان ناطق است و انسانی که زن است نیز حیوان ناطق است. در این تعریف، «حیوان» به معنای فلسفی آن است، نه معنای عرفی. حیوان در فلسفه به معنای «جوهر جسمانی، دارای حس و حرکت» است. همچنین، «ناطق» به عنوان فصل ممیزه انسان، هم در مرد و هم در زن وجود دارد. البته درباره اینکه فصل ممیزه انسان چیست، بیش از صد نظر وجود دارد. به عنوان مثال، مرحوم شهید مطهری (رحمت‌الله‌علیه) انسان را به عنوان «حیوان فیلسوف» تعریف کرده‌اند؛ یعنی ویژگی اصلی انسان، توانایی درک معقولات ثانیه فلسفی است، نه صرفاً درک کلیات. با این حال، مشهورترین نظر در میان فیلسوفان مسلمان، ناطق بودن انسان است، که به معنای توانایی سخن گفتن یا درک کلیات است.

تفاوت صنفی زن و مرد

گرچه زن و مرد در جنس و نوع یکسان هستند، اما از نظر صنفی متفاوت‌اند. به عبارت دیگر، زن و مرد دو صنف جداگانه از انسان‌ها هستند.

فیلسوفان معمولاً تقسیم‌بندی‌هایی را که بر اساس صنف باشد، تقسیم‌بندی حقیقی نمی‌دانند. به عنوان مثال، اگر بگوییم انسان یا لر است، یا ترک، یا فارس، یا کرد، فیلسوفان این تقسیم‌بندی را حقیقی نمی‌دانند، زیرا معتقدند انسان یک گونه واحد است و صنف‌ها مبنای تقسیم حقیقی نیستند. اما در مقابل، جامعه‌شناسان، مردم‌شناسان و روان‌شناسان، تقسیم‌بندی بر اساس صنف را یک تقسیم‌بندی حقیقی می‌دانند. بنابراین، زن و مرد در جنس و نوع

یکسان هستند، اما قطعاً دو صنف جداگانه‌اند. زن یک صنف از انسان است و مرد نیز صنف دیگری از انسان محسوب می‌شود.

شاخصه‌های زنانگی

سوال اصلی این است که شاخصه‌ها و ویژگی‌های شخصیتی زنانگی چیست؟ در این زمینه، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد:

۱. تفاوت‌های فیزیولوژیک و اندامی:

برخی معتقدند که شاخصه زنانگی صرفاً به تفاوت‌های فیزیولوژیک و اندامی زن و مرد محدود می‌شود. به عبارت دیگر، اندام زن با اندام مرد متفاوت است و این تفاوت، اصلی‌ترین شاخصه زنانگی است.

۲. تفاوت‌های روانی و اخلاقی:

دیدگاه دوم علاوه بر تفاوت‌های فیزیولوژیک، به تفاوت‌های روانی و اخلاقی زن و مرد نیز اشاره می‌کند. به عنوان مثال، گفته می‌شود که در مردان قدرت تعقل بیشتر است، در حالی که زنان از احساس و عاطفه بیشتری برخوردارند.

۳. تبعیت زن از مرد:

دیدگاه سوم، که ناشی از نگاهی غلط به برخی آموزه‌های دینی است، معتقد است که زن تابع مرد است و به طفیلی وجود مرد آفریده شده است. بر اساس این دیدگاه، زن نه تنها در اصل پیدایش، بلکه در ادامه حیات نیز تابع مرد است و به عنوان یک صنف مستقل به حساب نمی‌آید.

۴. قوام‌بخشی مرد به زن:

دیدگاه چهارم بیان می‌کند که شاخصه زنانگی زن این است که زن «مقوم» و مرد «قوام» است. این دیدگاه بر اساس آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»^۲، (مردان قوام بر زنان هستند)، شکل گرفته است. بر این اساس، زن مقوم است و مرد نقش قوام‌بخشی دارد.

۵. محدودیت‌ها:

برخی معتقدند که شاخصه زنانگی زن در محدودیت‌هایی که برای او وجود دارد، تجلی می‌کند. این محدودیت‌ها انواع مختلفی دارند:

(آ) محدودیت در تربیت:

به عنوان مثال، در دین ما زن حق تنبیه بدنی فرزند را ندارد، در حالی که پدر این حق را دارد.

(ب) محدودیت در اعمال عبادی:

زن در برخی اعمال عبادی با محدودیت‌هایی مواجه است. مثلاً بدون اذن شوهر نمی‌تواند از خانه خارج شود. همچنین، نذر، قسم و عهد زن بدون اجازه شوهر تحقق نمی‌یابد.

(ج) محدودیت در حقوق اجتماعی:

زن حق جهاد (نه دفاع)، قضاوت، افتاء، مرجعیت و امثال آن را ندارد.

بنابراین، برای تعریف شاخصه زنانگی زن و ویژگی‌های این صنف، دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است.

دسته‌بندی شاخصه‌های زنانگی

شاخصه‌هایی که برای زنانگی زن بیان شده است، به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱. شاخصه‌های غلط:

برخی از این شاخصه‌ها کاملاً نادرست و غیرقابل پذیرش هستند.

۲. شاخصه‌های ناقص:

برخی دیگر از شاخصه‌ها درست هستند، اما به صورت ناقص بیان شده‌اند.

۳. شاخصه‌های مورد قبول:

برخی از شاخصه‌ها کاملاً درست و قابل پذیرش هستند.

به عنوان مثال، این موضوع که خداوند متعال احساس و عاطفه را در هویت زن بیشتر قرار داده است، مورد پذیرش است.

همچنین، تعقل و خردورزی در مرد به دلیل وظایفی مانند حکومت و افتاء، بیشتر است. در این زمینه، خاطره‌ای دارم، با ماشین از مشهد به تهران می‌رفتم، صندلی کنار من یک آقای حزب‌اللهی نشسته بود، یک بچه نوزاد روی دست او بود.

گفتم: این بچه شماست؟

گفت: بله.

گفتم: مادرش کجاست؟

اگر عقب نشسته است، من صندلی‌ام را با او عوض کنم.

گفت: نه، مادرش رفته و بچه را روی دست ما گذاشته است.

خیلی دلم سوخت. بچه کوچک چند ماهه!

توبوس که در بین راه ایستاد، این آقا سریع پیاده شد، یک نوشابه کوکا گرفت، نصف آن را خورد، مابقی را تکان داد و گاز آن را گرفت، ریخت داخل شیشه و به بچه داد. گفتم: تو اینطوری مادری می‌کنی؟!

این رفتار نشان می‌دهد که مردان فاقد احساس و عاطفه لازم برای تربیت کودکان هستند. این مثال نشان می‌دهد که احساس و عاطفه زنانه، ویژگی‌ای منحصر به فرد است.

رسیدن به شاخصه جامع زنانگی

آیا می‌توان بر اساس شاخصه‌های کامل و درست، به یک شاخصه جامع برای زنانگی زن دست یافت؟ پاسخ مثبت است.

۱. دیدگاه فمینیست‌ها:

فمینیست‌ها معتقدند که شاخصه زنانگی زن، نگاه خاص او به عالم و آدم است. این نگاه ویژه، مختص زنان است و مردان قادر به درک آن نیستند. این نگاه می‌تواند جهان را به درستی اداره کند.

۲. دیدگاه امّ بودن:

برخی معتقدند که شاخصه جامع زنانگی، «امّ بودن» زن است. امّ به معنای مادر و مرجع است. این دیدگاه تأکید می‌کند که نسل بشری باید به زن و مادر بازگردد.

۳. دیدگاه ابن عربی:

ابن عربی در کتاب «فصوص الحکم» بیان می‌کند که زن از مرد کامل‌تر است. مرد تنها مظهر قبول است، در حالی که زن علاوه بر قبول، مظهر فعل و تأثیر نیز هست. زن می‌تواند مرد را عاشق خود کند و از این طریق، هم خود و هم مرد را به کمال برساند. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نیز فرموده‌اند: «من از دنیای شما سه چیز را دوست دارم: نماز، عطر و زن».

ابن عربی معتقد است که زن این توانایی را دارد که نه تنها خود، بلکه دیگران را نیز به کمال برساند.

بررسی عبارت «سلوک عرفانی بانوان»

آیا عبارت «سلوک عرفانی بانوان» تعبیر صحیحی است؟ اگر بپذیریم که صنف زن ویژگی‌های خاص خود را دارد، این عبارت می‌تواند درست باشد. اما اگر معتقد باشیم که در سلوک الی الله، زنانگی و مردانگی مطرح نیست و تنها فطرت انسان مورد توجه است، آنگاه عبارت «سلوک عرفانی بانوان» معنا نخواهد داشت و باید از عبارت «سلوک عرفانی انسان» یا «سلوک انسانی بشر» استفاده کرد. با این حال، ما معتقدیم که این تعبیر درست است، زیرا صنف زن ویژگی‌هایی دارد که باعث می‌شود برای سلوک عرفانی بانوان جایگاه خاصی در نظر گرفته شود.

سوالات کلیدی درباره سلوک عرفانی بانوان

اگر تعبیر «سلوک عرفانی بانوان» تعبیر درستی باشد، باید به چهار سوال اساسی پاسخ دهیم:

۱. آیا سلوک برای بانوان امکان وقوعی دارد؟
آیا اساساً سلوک عرفانی برای زنان ممکن است؟
 ۲. آیا سلوک برای زنان واقعاً اتفاق افتاده است؟
آیا زنانی وجود دارند که به مقام سالک و عارف رسیده‌اند؟
 ۳. اگر سلوک برای زنان ممکن است، آیا زن به کمال (به معنای فنا) می‌رسد؟
آیا زنان می‌توانند به مقام فنا در سلوک عرفانی دست یابند؟
 ۴. اگر سلوک برای زنان ممکن است، آیا زن به کمال به معنای دوم (تکمیل اسفار اربعه) می‌رسد؟
آیا زنانی وجود دارند که همه سفرهای چهارگانه عرفانی (اسفار اربعه) را کامل کرده‌اند و هیچ استعدادی در وجودشان باقی نمانده است؟
- پاسخ به این چهار سوال مثبت است. سلوک برای زنان ممکن است، و در طول تاریخ موارد متعددی از زنان سالک و عارف وجود داشته است. همچنین، زنانی به مقام فنا رسیده‌اند و زنانی نیز بوده‌اند که اسفار اربعه آن‌ها کامل شده است.

روایت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) درباره زنان کامل

در روایتی که هم در منابع شیعه و هم سنی نقل شده است، پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرموده‌اند: «از میان زنان، چهار نفر به کمال رسیدند: آسیه بنت مزاحم، مریم بنت عمران، خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد (سلام‌الله‌علیهم).»

تفاوت کمال زن و مرد

آیا بین کمال زنان و مردان تفاوتی وجود دارد؟ برخی معتقدند که بله، تفاوت وجود دارد. به عنوان مثال، مرد کامل می‌تواند به مقام نبوت یا امامت برسد، زیرا همه پیامبران و امامان انسان‌های کامل و به تعبیر قرآن «مخلص» (خالص شده) هستند. اما زن، حتی اگر همه کمالات را داشته باشد، نمی‌تواند به مقام نبوت یا امامت برسد. در پاسخ به این دیدگاه، باید گفت که آنچه نتیجه کمال است، «نبوت تشریحی» نیست، بلکه «نبوت انبائی» است. خداوند بر اساس علم خود می‌داند که نبوت را به چه کسی، در چه زمانی و به چه دلیلی اعطا کند. آنچه مهم است، روح نبوت است که همان «ولایت» است، و ولایت بین زن و مرد تفاوتی قائل نمی‌شود. اسم «ولی» همچنان یارگیری می‌کند، در حالی که اسم «نبی» با خاتم‌الانبیاء (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به پایان رسیده است. در عرفان اسلامی، معتقدیم که اولیای محمدی از سایر اولیا کامل‌تر هستند. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرموده‌اند: «عارفان امت من، مانند انبیای بنی اسرائیل هستند.»

سوال درباره تعداد زنان کامل

در روایتی از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) آمده است: «كَمَلَمِنْ الرِّجَالِ كَثِيرٌ، وَلَمْ يَكْمَلْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا أَرْبَعٌ: أَسِيَّةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ، أُمُّ رَأْفَةَ، وَفَرْعَوْنُ، وَمَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَخَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَفَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ۝۳» (از میان مردان، بسیاری به کمال رسیدند، اما از میان زنان، تنها چهار نفر به کمال رسیدند). سوال این است: اگر بین زن و مرد در سلوک راه خدا تفاوتی نیست، و حتی برخی معتقدند زنان می توانند پیشرفت بیشتری داشته باشند، چرا تعداد زنان کامل کمتر از مردان است؟ استاد جوادی آملی در کتاب «زن در آینه جلال و جمال» به این سوال پاسخ داده‌اند:

۱. ثبت نشدن فضائل زنان:

بسیاری از فضائل زنان در تاریخ ثبت نشده است. اگر تاریخ زنان به اندازه تاریخ مردان ثبت می‌شد، شاید تعداد زنان کامل بیشتری می‌دیدیم.

۲. عدم انحصار در روایت:

عدد چهار در روایت بیانگر انحصار نیست. پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نمی‌خواهد بفرماید که تنها این چهار نفر به کمال رسیده‌اند.

۳. عقب ماندگی جوامع:

اگر جوامع عقب مانده‌اند و زنان رشد لازم را نکرده‌اند، این را نباید به پای مذهب نوشت.

به نظر من، پاسخ بهتری نیز می‌توان به این سوال داد:

روایت مربوط به گذشته است و نمی‌گوید که در آینده نیز تنها چهار زن به کمال می‌رسند. در امت اسلامی، زنانی مانند حضرت زینب (سلام الله علیها) و فاطمه معصومه (سلام الله علیها) وجود دارند که به درجات بالایی از کمال رسیده‌اند. شاید درجه‌ای از کمال وجود دارد که تنها آن چهار زن به آن رسیده‌اند، اما دیگران نیز می‌توانند به درجات دیگر کمال دست یابند.

شبهات مطرح شده درباره سلوک زنان و پاسخ به آنها

در مورد سلوک عرفانی بانوان، شبهاتی مطرح شده است که در ادامه به آنها پاسخ می‌دهیم:

شبهه اول: ریاضت و لطافت زن

شبهه:

محور سلوک، ریاضت است و ریاضت کاری خشن است. زن جنس لطیفی است و توانایی تحمل ریاضت را ندارد. صمت (سکوت)، جوع (گرسنگی)، سهر (شب‌زنده‌داری)، عزلت (تنهایی) و ذکر، چه ارتباطی با زن دارد؟

پاسخ:

ریاضت هر فرد مطابق با طبیعت و فطرت اوست. به عنوان مثال، مرحوم علامه طهرانی (رحمت الله علیه) به مردان ذکر یونسیه را روزی چهارصد بار در سجده توصیه می‌کردند، اما به زنان پنجاه تا صد بار و حتی بدون نیاز به سجده. ریاضت زن متناسب با لطافت و شاکله وجودی اوست و استادان سلوک با در نظر گرفتن این ویژگی‌ها، دستورات مناسب را به زنان می‌دهند. بنابراین، ریاضت زن با ریاضت مرد متفاوت است و هر دو می‌توانند به کمال خود برسند.

شبهه دوم: استقلال زن و اذن شوهر

شبهه:

زن اسیر دست مرد است و مستقل نیست، بنابراین نمی‌تواند اهل سلوک باشد، به ویژه اگر شوهر او مخالفت کند. سلوک یک امر مستحب است و انجام مستحبات برای زن نیاز به اذن شوهر دارد.

پاسخ:

زن شریک زندگی مرد است، نه اسیر دست او. سلوک عمدتاً یک امر قلبی و باطنی است و نیازی به مخالفت یا موافقت دیگران ندارد. نود درصد سلوک به توجهات باطنی مربوط می‌شود که از دید دیگران پنهان است. علاوه بر این، از دیدگاه دین، زن در مسائل معنوی مستقل است و نیاز به اذن شوهر ندارد.

شبهه سوم: منع زن از جهاد اصغر و جهاد اکبر

شبهه:

زن از جهاد اصغر منع شده است، پس به طریق اولی از جهاد اکبر نیز منع شده است. مولوی در مثنوی می‌گوید:
چون غزا ندهد زنان را هیچ دست
کی دهد آنکه جهاد اکبر است

پاسخ:

منع زن از جهاد اصغر به دلیل ماهیت خشن و فیزیکی آن است، نه به دلیل ناتوانی معنوی. جهاد اکبر، که همان تقوا و رعایت حدود الهی است، بین زن و مرد تفاوتی قائل نمی‌شود. زن نیز می‌تواند در جهاد اکبر شرکت کند و به کمال معنوی برسد.

شبهه چهارم: استمرار عبادت و ذکر

شبهه:

یکی از ارکان اصلی سلوک، دوام ذکر و استمرار عبادت است. زن به دلیل عادت ماهیانه نمی‌تواند در برخی ایام نماز بخواند یا روزه بگیرد، بنابراین حظّ عبادی او کم است و نمی‌تواند به سلوک پردازد.

پاسخ:

سلوک تنها به نماز و روزه محدود نمی‌شود. ذکر، تفکر، توجه قلبی و دیگر اعمال معنوی می‌توانند جایگزین شوند. علاوه بر این، دوران عادت ماهیانه مانعی برای ذکر و توجه باطنی نیست. زن می‌تواند در این ایام نیز به سلوک خود ادامه دهد.

شبهه پنجم: اشتغالات دنیوی زن

شبهه:

زن اشتغالات دنیوی فراوانی دارد، مانند تربیت فرزند و مدیریت خانه. این مسئله او را از سلوک بازمی‌دارد. حتی در فقه آمده است که زنی که فرزند کوچک دارد، اگر لباسش نجس باشد، می‌تواند نماز بخواند. این نشان‌دهنده مشغولیت زیاد زن است.

پاسخ:

سلوک به معنای ترک دنیا نیست، بلکه به معنای زندگی در دنیا با توجه به خداوند است. زن می‌تواند در کنار مسئولیت‌های خانوادگی، به سلوک پردازد. حتی فعالیت‌های روزمره مانند تربیت فرزند می‌تواند به عنوان بخشی از سلوک معنوی او تلقی شود.

شبهه ششم: احساسی بودن زن

شبهه:

زن موجودی احساسی است و در سلوک نیاز به تعقل عمیق وجود دارد. این ویژگی در زنان کمتر است، بنابراین نمی‌توانند به مراحل بالای سلوک برسند.

پاسخ:

احساسات زنانه مانع سلوک نیست، بلکه می‌تواند به عنوان ابزاری برای تقرب به خداوند استفاده شود. علاوه بر این، زنان نیز توانایی تعقل و تدبیر دارند و می‌توانند با ترکیب احساس و عقل، به مراحل بالای سلوک دست یابند.

جمع‌بندی

با توجه به پاسخ‌های فوق، مشخص می‌شود که سلوک عرفانی برای زنان نه تنها ممکن است، بلکه در طول تاریخ نمونه‌های متعددی از زنان سالک و عارف وجود داشته است. ریاضت، استقلال معنوی، جهاد اکبر، استمرار عبادت و تعقل، همگی با در نظر گرفتن ویژگی‌های خاص زنان، قابل تحقق هستند. بنابراین، سلوک عرفانی بانوان نه تنها ممکن است، بلکه در بسیاری از موارد به طور کامل تحقق یافته است.

ادامه پاسخ به شبهات و بررسی سلوک زنان

در ادامه بحث، به بررسی اشعار مولوی و دیگر نکات مرتبط با سلوک زنان می‌پردازیم:

اشعار مولوی و سلوک زنان

مولوی در اشعار خود اشاره می‌کند که اگر زنی در درون خود «رستم» (قدرت و توانایی) داشته باشد، می‌تواند اهل سلوک باشد:

جز به نادر در تن زن رستمی گشته باشد خفیه همچون مریمی

یعنی به ندرت زنی مانند حضرت مریم (سلام‌الله‌علیها) در درون خود قدرت و توانایی دارد و می‌تواند اهل سلوک باشد. قرآن کریم نیز به این موضوع اشاره می‌کند: «كَلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ» (هر زمان زکریا وارد محراب او می‌شد، نزد او رزقی می‌یافت). مرحوم علامه طهرانی (رحمت‌الله‌علیه) تفسیر می‌کردند که این رزق، مواد غذایی مانند ماهی و پلو نبود، بلکه مکاشفه‌ها و مشاهدات معنوی بود. زکریا از دیدن این حالات متحیر شد و پرسید: «أَنَّى لَكِ هَذَا»، (این از کجاست؟).

مریم (سلام‌الله‌علیه) پاسخ داد: «هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ»، (این از جانب خداست). اینجا بود که زکریا دعا کرد و خداوند یحیی (علیه‌السلام) را به او عطا کرد.

استمرار عبادت و ذکر برای زنان

این شبهه که زن نمی‌تواند به دلیل عادت ماهیانه استمرار عبادت و ذکر داشته باشد، نادرست است. ذکر خدا بیشتر یک امر قلبی است و نماز تنها قالبی برای ذکر است. زنان می‌توانند در ایام عادت ماهیانه، در مواجیت نماز بنشینند و به ذکر خدا بپردازند. ذکر خدا تعطیل‌شدنی نیست و زنان می‌توانند در هر حالتی به آن ادامه دهند.

اشتغالات دنیوی زنان

این شبهه که زنان به دلیل مسئولیت‌های خانوادگی مانند بچه‌داری، شوهرداری و تربیت فرزند نمی‌توانند اهل سلوک باشند، نیز نادرست است. سلوک عمدتاً یک امر قلبی است و خداوند سلوک زنان را در همین مسئولیت‌ها قرار داده است. زنان می‌توانند در کنار انجام وظایف خانوادگی، به سلوک بپردازند.

احساسی بودن زنان و سلوک

این شبهه که زنان احساسی هستند و سلوک نیاز به تعقل دارد، نیز رد می‌شود. سلوک اگر بیست درصد نیاز به تعقل دارد، هشتاد درصد نیاز به احساس و عاطفه دارد. بنابراین، زنان در این زمینه حتی می‌توانند جلوتر از مردان باشند.

مراحل زندگی زنان و سلوک

از دیدگاه دین مبین اسلام، زنان می‌توانند اهل سلوک باشند و به کشف و دریافت امور غیبی، مکاشفات، مشاهدات و کرامات دست یابند. زنان معمولاً سه مرحله زندگی را پشت سر می‌گذارند:

۱. دختری:

در این مرحله، اسلام بر دو چیز تأکید دارد: عفت و خدمت به والدین، به ویژه مادر. اگر دختری عفت خود را حفظ کند و به والدین خدمت کند، ناخودآگاه در راه سلوک قدم برداشته است.

۲. همسری:

در این مرحله، وظیفه اصلی زن «حُسْنُ التَّبَعْلِ» (خوب شوهرداری کردن) است. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ ۶»، (جهاد زن، خوب شوهرداری کردن است). این کار آسانی نیست و اگر زنی بتواند شوهر خود را به مدت ۵۰ سال راضی نگه دارد، مانند حضرت زهرا (سلام الله علیها)، این جهاد است.

۳. مادری

در این مرحله، تأکید بر حسن تربیت فرزندان است. مادر باید بتواند فرزند خود را بدون استفاده از خشونت تربیت کند.

جمع‌بندی نظرات درباره سلوک زنان

در مورد سلوک زنان، سه نظر اصلی وجود دارد:

۱. نظر اول:

برخی معتقدند زن اصلاً نمی‌تواند اهل سلوک باشد.

۲. نظر دوم:

برخی معتقدند زن می‌تواند مانند مردان به سلوک و کمال برسد.

۳. نظر سوم:

برخی معتقدند زن می‌تواند حتی بهتر از مردان به سلوک و کمال برسد.

شواهد نظر سوم:

۱. زنان زودتر از مردان به بلوغ می‌رسند (دختران در ۹ سالگی و پسران در ۱۵ سالگی). این نشان می‌دهد که زنان زودتر شروع به تقرب به خداوند می‌کنند.

۲. زنان از نظر احساسی و عاطفی قوی‌تر هستند و این ویژگی‌ها در سلوک بسیار مهم است.

راه سلوک و ویژگی‌های زنان

راه سلوک، راه رقت قلب، اشک و آه است. در دین ما، خداوند برخی از انبیا را به دلیل ویژگی‌هایی مانند «{إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ ۷}» «أواه»، (دل‌سوز) و «مُنِيبٌ»، (توبه‌کار) ستوده است. این رقت قلب و صفای

دل در زنان بیشتر از مردان دیده می‌شود. امروزه در ادبیات، وقتی می‌خواهیم محبت‌های عمیق را مثال بزنیم، از «محبت‌های مادرانه» یاد می‌کنیم. راه سلوک، راه محبت و عشق است و جلوه این محبت در زنان بیشتر نمایان است.

اشک و آه نیز از ابزارهای مهم سلوک هستند. عرب‌ها اصطلاحی دارند به نام «بکاء الثکلی» (گریه مادری که فرزند خود را از دست داده است). این گریه با گریه دیگران متفاوت است. اگر دستمایه سلوک، صفای قلب، عشق و گریه باشد، این ویژگی‌ها در زنان بیشتر یافت می‌شود.

جمعیت خاطر و آرامش زنان

راه سلوک، راه جمعیت خاطر (تمرکز و آرامش) است. زنان به دلیل خانه‌نشینی و مسئولیت‌های خانه‌داری، معمولاً آرامش بیشتری دارند. مردان به دلیل مسئولیت‌هایی مانند تأمین نفقه، مسکن، لباس و دیگر امور مالی، دچار اضطراب و تشویش می‌شوند، اما زنان از این دغدغه‌ها آزاد هستند. این آرامش خاطر، به زنان کمک می‌کند تا بهتر به سلوک بپردازند.

دیدگاه ابن عربی درباره زنان

ابن عربی در مورد زن می‌گوید: مرد تنها مظهر قبول است، یعنی خلقت را پذیرفته است، اما زن هم مظهر قبول است و هم مظهر فعل و تأثیر. این دیدگاه را ابن عربی از روایت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) گرفته است که فرمودند: «حُبَّبَ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا النِّسَاءُ وَالطَّيِّبُ وَقُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ ۸»، «من از دنیای شما سه چیز را دوست دارم: زن، عطر و نماز». ابن عربی توضیح می‌دهد که زن دو حیثیت دارد:

۱. خودش با عشق الهی به کمال می‌رسد.
۲. می‌تواند واسطه عشق‌ورزی و مهرورزی مرد باشد و از این طریق، مرد را به کمال برساند.

آیه «وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَى»

در قرآن کریم، خداوند به مادر حضرت مریم (سلام‌الله‌علیها) فرمود: «وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَى ۹»، (مرد مانند زن نیست).

مادر مریم (سلام‌الله‌علیها) از خداوند تقاضا کرد که فرزندی به او عطا کند تا خادم معبد باشد. در آن زمان، خادمان معبد معمولاً مردان بودند. وقتی خداوند به او دختری عطا کرد، مادر مریم (سلام‌الله‌علیها) با تحسر گفت: «رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَى ۱۰»، (پروردگارا، من او را دختر به دنیا آوردم).

در اینجا خداوند به او فرمود: «وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَى»، بسیاری از مفسران این آیه را اینگونه فهمیده‌اند که زن در عبودیت و بندگی می‌تواند پیشتازتر از مرد باشد. بنابراین، اگر زن در مسیر سلوک قرار بگیرد، یقیناً می‌تواند جلوتر از مردان حرکت کند.

جمع بندی

با توجه به مطالب فوق، مشخص می‌شود که زنان به دلیل ویژگی‌هایی مانند رقت قلب، صفای دل، اشک و آه، آرامش خاطر و توانایی در عشق‌ورزی، می‌توانند در سلوک عرفانی پیشتاز باشند. دیدگاه‌های دینی و عرفانی نیز تأکید می‌کنند که زنان نه تنها می‌توانند به کمال برسند، بلکه در برخی موارد حتی بهتر از مردان نیز عمل می‌کنند.

خطرات سلوک بانوان و راه‌های مقابله با آنها

در مسیر سلوک عرفانی، بانوان با خطراتی مواجه هستند که باید به آنها توجه کرد و راه‌های مقابله با آنها را شناخت. در ادامه به برخی از این خطرات و راه‌حل‌های آنها می‌پردازیم:

خطر اول: باور نادرست درباره عدم توانایی زنان در سلوک

خطر:

برخی بانوان با این باور نادرست مواجه هستند که زن نمی‌تواند اهل سلوک باشد. این باور ناشی از شبهات و تفکرات غلط است.

راه حل:

الحمد لله به برکت انقلاب اسلامی و تلاش‌های مرحوم امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)، این باور نادرست تا حد زیادی اصلاح شده است. امروزه زنان در بسیاری از عرصه‌ها، نه تنها مانند مردان، بلکه گاهی جلوتر از آنها عمل می‌کنند. زنان در جنگ، علم و دیگر زمینه‌ها توانایی‌های خود را نشان داده‌اند. بنابراین، این فکر که زن نمی‌تواند اهل سلوک باشد، باید کنار گذاشته شود.

خطر دوم: کاهش توجه به وظایف زنانگی

خطر:

برخی بانوان پس از شروع سلوک، به تدریج از وظایف زنانگی خود مانند بچه‌داری و شوهرداری غافل می‌شوند. این مسئله می‌تواند به اختلافات خانوادگی و مشکلات دیگر منجر شود.

راه حل:

بانوان باید به یاد داشته باشند که خدای متعال سلوک آنها را در انجام وظایف زنانگی قرار داده است. سلوک واقعی به معنای غفلت از مسئولیت‌های خانوادگی نیست، بلکه انجام این وظایف با نیت قربت و عشق به خدا، خود بخشی از سلوک است.

خطر سوم: خلط میان عشق الهی و عشق زمینی

خطر:

یکی از خطرات مهم برای بانوان، خلط میان عشق الهی و عشق زمینی، به ویژه نسبت به استاد راه است. این مسئله می‌تواند به انحرافات اخلاقی و معنوی منجر شود.

راه حل:

محبت به استاد راه باید به عنوان وسیله‌ای برای تقرب به خداوند باشد، نه به عنوان یک عشق زمینی. بانوان باید مراقب باشند که این محبت به عشق حیوانی تبدیل نشود.

خطر چهارم: زودباوری و گرفتار شدن در دام اهریمن

خطر:

بانوان به دلیل صفای نفس و احساسات قوی، ممکن است دچار زودباوری شوند و به راحتی فریب افراد ناصالح یا شیاطین را بخورند.

راه حل:

بانوان باید در انتخاب استاد راه و همراهان معنوی دقت کنند و از مشورت با افراد آگاه و متدین بهره ببرند. همچنین، باید مراقب باشند که تحت تأثیر حالات و مکاشفات زودگذر قرار نگیرند.

خطر پنجم: عدم کنترل حالات روحی و از دست دادن کتمان

خطر:

بانوان به دلیل غلبه احساسات، ممکن است نتوانند حالات روحی خود را کنترل کنند و اسرار و مکاشفات خود را فاش کنند. این مسئله می‌تواند مانع رشد معنوی آن‌ها شود.

راه حل:

کتمان (پنهان‌داری) یکی از ارکان مهم سلوک است. بانوان باید مراقب باشند که اسرار و مکاشفات خود را فاش نکنند، زیرا فاش کردن اسرار می‌تواند مانع پیشرفت آن‌ها در مسیر سلوک شود.

جمع‌بندی

بانوان در مسیر سلوک عرفانی با خطراتی مواجه هستند که باید به آن‌ها توجه کنند. این خطرات شامل باورهای نادرست، غفلت از وظایف زنانگی، خلط میان عشق الهی و زمینی، زودباوری و از دست دادن کتمان است. با رعایت اصول دینی و مشورت با افراد آگاه، بانوان می‌توانند از این خطرات دوری کنند و به رشد معنوی خود ادامه دهند.

تفاوت‌های سلوک بانوان و مردان

سلوک بانوان و مردان تفاوت‌هایی دارد که ناشی از ویژگی‌های خاص هر جنس است. در ادامه به برخی از این تفاوت‌ها اشاره می‌شود:

۱. تفاوت اول: دشواری بیشتر در سیر دادن بانوان

سیر دادن بانوان برای استاد سلوک، معمولاً دشوارتر از سیر دادن مردان است. مرحوم استاد می‌فرمودند: «تربیت یک خانم به اندازه ده مرد زمان و انرژی می‌طلبد.» دلیل این امر آن است که بانوان به دلیل خلوص نفس و احساسات قوی، زودتر از مردان «کبریت» شان می‌گیرد (یعنی چشم و گوش باطنشان باز می‌شود). اما این باز شدن زود هنگام ممکن است با آمادگی کامل همراه نباشد، بنابراین استاد باید با دقت بیشتری آن‌ها را مدیریت و کنترل کند. همچنین، بانوان به دلیل احساسات قوی‌تر، زودتر احساس مسئولیت می‌کنند و می‌خواهند دست دیگران را بگیرند، که این مسئله نیز نیاز به مدیریت دارد.

۲. تفاوت دوم: سبک‌تر بودن دستورات سلوکی برای بانوان

دستورات سلوکی که به بانوان داده می‌شود، از نظر کمی و کیفی سبک‌تر از دستورات مردان است. این مسئله به شاکله وجودی زنانه و لطافت روحی بانوان مربوط می‌شود. با این حال، جالب این است که با وجود سبک‌تر بودن دستورات، سرعت سیر و پیشرفت بانوان در سلوک می‌تواند بیشتر باشد. این امر ناشی از آمادگی بیشتر بانوان برای پذیرش حالات معنوی است.

۳. تفاوت سوم: تأکید بیشتر بر اعمال جوانحی

به دلیل تنوع مسئولیت‌های بانوان در زندگی روزمره، در سلوک آن‌ها بیشتر بر «اعمال جوانحی» (اعمال قلبی مانند مراقبه و ذکر قلبی) تأکید می‌شود تا «اعمال جوارحی» (اعمال بدنی مانند نماز و روزه). به عنوان مثال، به بانوان گفته می‌شود: «در حالی که ظرف می‌شویی یا غذا می‌پزی، حواست به خدا باشد.» این رویکرد به بانوان کمک می‌کند تا در کنار انجام وظایف روزمره، به سلوک خود ادامه دهند.

۴. تفاوت چهارم: تأکید بیشتر بر ترک عادات

یکی از دستورات مهم سلوکی، ترک عادات بی‌اساس و آداب من‌درآوردی است. این مسئله در مورد بانوان اهمیت بیشتری دارد، زیرا به دلیل حس زنانگی و تمایل به چشم‌وهم‌چشمی و تقلید، بانوان بیشتر در معرض این عادات قرار می‌گیرند. استاد سلوک باید به بانوان کمک کند تا بر اساس واقعیات زندگی کنند،

نه تخیلات و اوهام. مرحوم استاد سید هاشم حداد (رحمت‌الله‌علیه) می‌فرمودند: «عالم را وهم اداره می‌کند. نودونه درصد مردم با اوهام زندگی می‌کنند.» سالک باید از وهم فاصله بگیرد و بر اساس واقعیت زندگی کند. این مسئله در مورد بانوان اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا آن‌ها ممکن است تحت تأثیر مدها، عادات و آداب بی‌پایه قرار بگیرند.

۵. تفاوت پنجم: نگاه دین به ورزش و بدن

در نگاه دین، بدن به عنوان مرکب روح اهمیت دارد، اما نه به اندازه روح. دین تأکید می‌کند که بدن باید سالم بماند، اما این سلامتی با فعالیت‌های ساده مانند ۲۰ دقیقه دویدن در روز تأمین می‌شود. ورزش حرفه‌ای و افراطی، که امروزه در زندگی مدرن رایج شده است، در نگاه دین جایگاهی ندارد. مقام معظم رهبری نیز فرموده‌اند: «ما در دین ورزش حرفه‌ای نداریم، اما مجبوریم به دلیل شرایط زمانه به آن بپردازیم.» بانوان و مردان سالک باید به این نکته توجه کنند که تمرکز اصلی آن‌ها باید بر تقویت روح باشد، نه بدن. بدن تنها ابزاری برای رسیدن به کمال روحانی است.

جمع‌بندی

سلوک بانوان و مردان تفاوت‌هایی دارد که ناشی از ویژگی‌های خاص هر جنس است. بانوان به دلیل خلوص نفس و احساسات قوی، زودتر از مردان به حالات معنوی دست می‌یابند، اما این مسئله نیاز به مدیریت دقیق‌تری دارد. دستورات سلوکی بانوان سبک‌تر است، اما سرعت پیشرفت آن‌ها می‌تواند بیشتر باشد. همچنین، تأکید بیشتر بر اعمال قلبی و ترک عادات بی‌اساس، از دیگر ویژگی‌های سلوک بانوان است.

منابع مرتبط با سلوک بانوان و عرفان زنان

در زمینه سلوک بانوان و عرفان زنان، منابع ارزشمندی وجود دارد که برخی از آن‌ها به شرح زیر است:

کتاب‌ها

۱. «زن در آینه جلال و جلال»
اثر حضرت استاد جوادی آملی: این کتاب یکی از بهترین منابع در زمینه جایگاه زن در عرفان و سلوک است.
۲. «تذکره الاولیاء»
اثر عطار نیشابوری: در بخش‌هایی از این کتاب، نکات ارزشمندی از زبان زنان عارف ذکر شده است.
۳. «ذکر نسوة المتعبدات الصوفیات»
اثر سلمی: این کتاب توسط خانم مریم حسینی ترجمه شده و در سال ۱۳۸۵ توسط نشر علم منتشر شده است.
۴. «شهید عشق الهی: رابعه عدویه»
اثر عبدالرحمن بدوی: این کتاب توسط انتشارات مولا و آقای محمد تحریرچی ترجمه شده است.
۵. «زنان صوفی»
اثر جواد نوربخش: این کتاب به بررسی زندگی و اندیشه‌های زنان صوفی پرداخته است.

مقالات

۱. «سیمای زن در تذکره الاولیاء»
نوشته سیده مریم روضاتیان و علی اصغر میرباقری: این مقاله در مجله مطالعات زنان، شماره ۱۳، صفحات ۱۳۵ تا ۱۴۷ منتشر شده است.

۲. «زنان در عصر حدیث و تصوف دوران میانه اسلامی»
نوشته زهرا طاهری: این مقاله در مجله دفتر عقل و آیت عشق منتشر شده است.

۳. «زن و عرفان»

اثر حضرت استاد جوادی آملی: این مقاله در مجله پاسدار اسلام، شماره ۳۰۹، شهریور ۱۳۸۶ منتشر شده است.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ.»

فهرست منابع

۱. سوره نحل، آیه ۹۷.
۲. سوره نساء، آیه ۳۴.
۳. ابن حیون، نعمان بن محمد، و حسینی جلالی، محمد. ۱۴۰۹. شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار. ۳ ج. قم - ایران: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة بقم. مؤسسه النشر الإسلامی، ج ۳، ص ۶۴.
۴. جنگ.
۵. سوره آل عمران، آیه ۳۷.
۶. غفاری، علی اکبر، کلینی، محمد بن یعقوب، و آخوندی، محمد. ۱۳۶۳. الکافی. ۸ ج. تهران - ایران: دار الکتب الإسلامیة، ج ۵، ص ۵۰۷.
۷. سوره هود، آیه ۷۵.
۸. ابن بابویه، محمد بن علی، و غفاری، علی اکبر. ۱۴۱۶. الخصال. ۲ ج. قم - ایران: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة بقم. مؤسسه النشر الإسلامی، ج ۱، ص ۱۶۵.
۹. سوره مریم، آیه ۳۶.
۱۰. سوره مریم، آیه ۳۶.